



Genealogy of commitment: the zero moment of emergence and placement in committed art

Zahra Rajae¹ | Nader Shayeganfar² | Gholamreza Maroof³

1. Corresponding Author, Department of Art studies, Faculty of Research Excellence in Art and Entrepreneurship, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran. E-mail: zhrrajae@gmail.com
2. Associate Professor of Art Research Department of Isfahan Art University. Isfahan. Iran. n.shayganfar@au.ac.ir
3. PhD in art research. Isfahan University of Art. Isfahan. Iran. gh.maroof@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 18 March 2022 Received in revised form 10 June 2022 Accepted 16 June 2022 Published online 14 June 2026</p> <p>Keywords: Tobacco movement, Citizen subjects, Commitment, Legislation, Institutionalization of art.</p>	<p>Discourse bases of commitment in Iran date back to 1307 AH to 1337 AH. People-oriented political behavior has played an important role in Iran's political history during this period, and the emergence of an important political factor called the citizen makes the commitment problematic.</p> <p>The main problem of the current article is to write the new art history with a genealogical approach in the plurality of neglected or marginalized but important forces and placing the idea of commitment in art based on real and forgotten events.</p> <p>Therefore, considering that the question of the ontology of artistic commitment and the history of its emergence as a determining cause in the history of Iranian art has received less attention, In this research, concerning the tobacco movement, the necessity of legislation and the institutionalization of art as three neglected events under the prevailing narratives, the relationship between the discourse of commitment and these events and how it penetrates and emerges in the public life of the community and its representatives, and its transmission and influence on art is examined to open a new horizon for understanding the history of new art history.</p> <p>Commitment in this research is not only a pure truth but also a discourse construction that can also be considered from the perspective of historical sociology. The results of the present article indicate that the king's commitment has emerged from the heart of the tobacco movement and the emergence of the speaking subject.</p> <p>The committed role of the citizen subject is the product of creating the necessity of law and legislation, and the social obligation is directed towards art and the artist with the formalization and institutionalization of art in a new meaning, the official movement of art and issuing a government position to the artist.</p>

Cite this article: Rajae, Z., Shayeganfar., & Maroof, Gh. (2026). Genealogy of commitment: the zero moment of emergence and placement... . Sociology of Art and Literature (JSAL), 17 (2), 145-165.

DOI :<https://doi.org/10.22059/JSAL.2025.378888.666323>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI :<https://doi.org/10.22059/JSAL.2025.378888.666323>

تبارشناسی تعهد: لحظه‌ی صفر برآمدن و جایابی در هنر متعهد^۱زهرا رجایی^۱ | نادر شایگان فر^۲ | غلامرضا معروف^۳۱. گروه پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: zhrrajae@gmail.com۲. دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان. اصفهان. ایران. رایانامه: n.shayganfar@au.ac.ir۳. دانش‌آموخته‌ی دکترای تخصصی پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: gh.marroof@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	بسترهای گفتمانی برآمدن تعهد در ایران به سال‌های ۱۳۰۷ ه. ق (۱۳۶۹ ه. ش) تا ۱۳۳۷ ه. ق (۱۳۰۰ ه. ش) برمی‌گردد. کردار سیاسی مردم‌مدار در این دوران نقش مهمی در روند تاریخ سیاسی ایران داشته و بروز و ظهور عامل سیاسی مهمی به نام شهروند، تعهد را پروبلماتیک می‌کند. مسئله‌ی اصلی مقاله‌ی حاضر نوشتن تاریخ هنر جدید با رویکرد تبارشناسی در کثرت نیروهای مغفول یا به حاشیه رانده شده اما پراهمیت و قرار دادن اندیشه‌ی تعهد در هنر بر بستر رویدادهای واقعی و فراموش شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰	بنابراین باتوجه به اینکه پرسش از هستی‌شناسی تعهد هنری و تاریخ برآمدنش به مثابه یک علت تعیین‌کننده در تاریخ هنر ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در این پژوهش با ارجاع به جنبش تنباکو، ضرورت قانون‌گذاری و نهادینه‌سازی هنر به مثابه سه رویداد مغفول ذیل روایت‌های غالب، نسبت گفتمان تعهد با این رویدادها و چگونگی جایابی آن در عرصه‌ی زندگی عمومی اجتماع و نمایندگان آن و در نهایت نفوذ آن به هنر بررسی می‌شود تا افقی تازه برای فهم تاریخ هنر جدید بگشاید. تعهد در این پژوهش نه یک حقیقت ناب بلکه برساخته‌ای گفتمانی است که از منظر جامعه‌شناسی تاریخی نیز قابل‌تأمل است. نتایج مقاله‌ی حاضر حاکی از آن است که از دل جنبش تنباکو و ظهور سوژه‌ی سخنگو، تعهد پادشاه سربرمی‌آورد. نقش متعهدانه‌ی سوژه‌ی شهروند محصول ایجاد ضرورت قانون و قانون‌گذاری است و با رسمیت یافتن و نهادینه‌سازی هنر در معنای جدید و تحرکات رسمی هنر و صدور منصب حکومتی برای هنرمند، تعهد اجتماعی متوجه هنر و هنرمند می‌شود.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴	
کلیدواژه‌ها:	
جنبش تنباکو، سوژه‌ی شهروند، تعهد، قانون‌گذاری، نهادینه‌سازی هنر.	

استناد: رجایی، زهرا؛ شایگان فر، نادر؛ و معروف، غلامرضا (۱۴۰۴). تبارشناسی تعهد: لحظه‌ی صفر برآمدن و جایابی در هنر متعهد. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۷ (۲)،

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2025.378888.666323>

۱۶۵-۱۴۵



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

مقدمه

منتقدان و صاحب‌نظران بسیاری بر این باورند که ارائه‌ی نظام‌مند دیدگاه کانت در باب زیبایی و هنر منجر به شکل‌گیری نوعی فرمالیسم و ترویج شعار «هنر برای هنر» در اوایل قرن نوزدهم بوده است. پیشگامان این رویکرد مدعی استقلال هنر و زبان شعری بوده و معتقد بودند که هنر و ادبیات مستقل است و تریبونی برای بحث‌های سیاسی، اجتماعی و دینی نیست. در همین قرن بود که توجه به زمینه‌ی اجتماعی اثر کارکرد تازه‌ای از هنر ارائه کرد و بخش مهمی از تفکر مرتبط با زیبایی‌شناسی قرن نوزدهم به مسئله‌ی رابطه‌ی هنرمند با جامعه‌اش پرداخت. در روسیه‌ی قرن نوزدهم نیز روشنفکران روسی در برابر نظریه‌ی هنر برای هنر ادبیات مدنی را رواج دادند و نقد مدنی پیرامون آن شکل گرفت. پیروان این تفکر معتقد بودند که جریان ادبی باید فایده اخلاقی، اجتماعی یا سیاسی داشته باشد و ملاک داوری اثر هنری را میزان سودبخشی قرار دادند (میرصادقی، ۱۳۹۸: ۳۶). ایو میشو بر این باور است که «علی‌رغم تناقض ظاهری، هنر برای هنر نخست و پیش از هر چیز هنر برای مردم است» (سوانه، ۱۳۸۸: ۱۵۶). این زیبایی‌شناسی به مفهوم امروزی یعنی حوزه‌ی تجربیات اختصاصاً زیبایی‌شناختی نبود که منجر به خودمختاری هنر شد بلکه ورود هنر به حوزه‌ی عمومی، مسئله‌ی زیباشناختی را پیش کشید. او در واقع می‌گوید دلایل اجتماعی قرن هجدهم همچون تحقق شکلی از عقلانیت منطقی و دموکراسی سیاسی به معنی قدرت مردمی و تعلق حاکمیت به همه‌ی شهروندان در پی دستاوردهای انقلابیان فرانسه باعث گشایش سالن‌ها و آزادسازی داوری ذوقی و خودمختاری هنر شد زیرا در این دوران هنر مورد توجه توده‌ی مردم قرار گرفت و مورد بحث و نظر آنان واقع شد (سوانه، ۱۳۸۸: ۱۵۶ و ۱۵۷).

در ایران نیز همزمان با جنبش تنباکو و پیرو آن با «شکل‌گیری جریان مشروطه عامل سیاسی جدید به نام (مردم) ظهور کرد و گفتمان‌های روشنفکری با اندیشه‌ی دولت - ملت‌سازی از طریق احزاب و نهادهای مدنی به سمت گفتمان‌های بوروکراتیک با اندیشه - ی جامعه - ملت‌سازی از طریق دیوان‌سالاری و نظامی دولت سوق داده شدند» (ناطق‌ی و توفیق، ۱۳۹۲: ۱۸۵) و پس از کودتای ۱۲۹۹ به تدریج دستگاه‌های بوروکراتیک و ارتش دولت مرکزی مدرن و اقتدارگرا را در ایران قلمروسازی کرده و اجرای برنامه‌های نوسازی در این راستا کشور را به سوی نظام سرمایه‌داری پیش برد (ناطق‌ی و توفیق، ۱۳۹۶: ۱۶۳)، پیرو نظام سرمایه‌داری، ارتباط با تمدن غرب و دامنه‌دار شدن تفکر انتقادی، روشنفکر جدید در مقابل روشنفکر درباری قرار گرفت و افزایش متون سیاسی و اجتماعی، ضرورت دگرگونی بنیادین در ادبیات را پیش نهاد و جستجوی قالب‌های جدید برای طرح مسائل جدید را به مسئله‌ی روشنفکر ایرانی تبدیل کرد و مسئله‌ی هنر و ادبیات از مضامین فردی به تعهدات اجتماعی تغییر یافت.

همانگونه که همه‌ی پدیده‌های اجتماعی دارای تاریخ هستند و در یک برهه‌ی زمانی در پی تحولات جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... تبدیل به مسئله می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۵: ۵)، تمامی بخش‌بندی‌های هنر درون موقعیت تاریخی مشخصی به مسئله تبدیل شده و ارزش تأمل و مطالعه پیدا می‌کنند. تاریخ هنر بیش از گذشته، گشاده‌نظر، پرسنده، چون و چراگر و خودسنج شده است و با مفروض دانستن و ایمان به وجود حقیقت یا تاریخی یگانه و بی‌چون و چرا سر سازگاری ندارد (هریس، ۱۳۹۳: ۲۷).

شناخت هنر متعهد در تاریخ هنر رسمی ایران منوط به شناخت تظاهرات آن است و دانش موجود از تعهد در هنر، در واقع تجسد یک مفهوم است. (ارجحیت محتوا بر شکل اثر، استفاده از تکنیک‌های بازنمایانه یا به کارگیری استعاره و تمثیل برای به تصویر کشیدن چهره‌ی فقر و در یک کلام توجه به سیمای عمومی زندگی مردم) نماد تعهد در هنر و ادبیات هستند. بنابراین تعهد هنری به مثابه سازه‌ای نظری و مفهومی کمتر مورد توجه واقع شده است.

مسئله‌ی این مقاله این است که اگر تعهد محور اصلی گفتمان‌های هنر رادیکال، هنر چپ و هنر متعهد در نظر گرفته شود، از منظر تبارشناسی، تعهد هنری چگونه و از چه زمانی پروپلماتیک شده است؟ براساس متون منتشر شده، گفتمان هنر متعهد سامانه‌ای از دانش^۱ هنر سیاسی را در میدان هنر ایران پدید آورده است که بر محور این گزاره ساماندهی شده است که: «معیار انتخاب آثار هنری این است که محتوی عناصر اساسی زمان باشند و سیمای عمومی زندگی مردم را نمایش دهند». باتوجه به اینکه متونی که تا به حال درخصوص تعهد در هنر و گفتمان هنر متعهد نوشته شده‌اند مستندات تاریخی است؛ پرسشی که از نظر دور مانده، این است که بدون درنظر گرفتن مفروضات گفتمانی و نظری چگونه می‌توان از اسناد تاریخی بهره جست و این مفروضات تا چه حدی به بررسی اسناد جهت داده‌اند؟ بنابراین مقاله حاضر باتوجه به رویدادهای مغفول و پراهمیت تاریخ معاصر، همچون علل ایجاد خیزش‌های داخلی مانند جنبش تنباکو، زوایای نادیده‌ی خیزش‌های مردمی، شکل‌گیری تفکر انتقادی پیرامون ضرورت قانون‌گذاری و شکل‌گیری مشروطه، اعطای منصب حکومتی به هنرمند، نهادینه شدن هنر توسط حکومت و پیامدهای آن، که توان توضیح دادن تحولات بعدی را دارند درجهت شناسایی تبار نیروهای گفتمان تعهد در هنر به مثابه شکلی از شبکه‌ی قدرت - دانش را در گستره‌ی هنر معاصر ایران، مورد واکاوی قرار می‌دهد. در نتیجه تعهد هنری به عنوان یک ابزار مفهومی در این مقاله مدنظر نبوده و خود این مفهوم در دل صورتبندی-های تاریخ هنر جدید^۲ واجد اهمیت است و به مثابه یک برساخته‌ی گفتمانی و نه یک حقیقت ناب در نظر گرفته می‌شود. تعهد در هنر در یک بستر گفتمانی تبدیل به مضمونی حائز اهمیت در تاریخ هنر جدید بوده و از منظر جامعه‌شناسی تاریخی نیز قابل تأمل است. گفتمانی که لحظه‌ی صفر آن منطبق بر دگرگونی‌های مهم تاریخی است. در صورتبندی تبارشناختی، این لحظه‌ی صفر یک رویداد مهم است که نظم پیشین را درهم می‌ریزد و با تراکمی از گزاره‌های جدید، گفتمان را پدید می‌آورد. یعنی نظم جدید و رژیم حقیقت جدید را بر می‌سازد. حال باید پرسید در چنین بستری تعهد در هنر چگونه به مسئله تبدیل می‌شود؟

پیشینه پژوهشی

در پژوهش‌های انجام شده در گستره‌ی هنر معاصر ایران در باب تعهد هنری و هنر متعهد به تظاهرات ظاهری هنر متعهد بسنده شده و به تعهد به مثابه سازه‌ی نظری و مفهومی کمتر توجه شده است. اما پژوهش‌هایی که یاری‌رسان پیدایی لحظه‌ی صفر گفتمان، انقطاع‌های تاریخی و نقاط عطف هستند، حائز اهمیت بوده و جمع‌آوری شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. مهدی صلاح و شهرام حسن‌وند در مقاله‌ی «بررسی مفهوم توسعه در اندیشه‌ی تنی چند از روشنفکران عصر قاجار و پهلوی» شکل‌گیری طبقه‌ی روشنفکر و تقابل آن با نیروهای مذهبی، پیرو احساس نیاز به اصلاحات حکومتی همراستا با تحولات جهانی را

۱ در اندیشه‌ی فوکو دانش، «حوزه‌ی هماهنگی و تابعیت گزاره‌هاست که در آن مفاهیم پدیدار می‌شوند، به کار بسته می‌شوند و دگرگون می‌شوند» (فوکو، ۱۳۹۹: ب: ۲۶۲).

۲ تاریخ هنر جدید: N.A.H New Art History

ضرورت بازنگری در علوم انسانی و عدم اعتماد به داده‌ها و دستاوردهای آکادمی‌های هنر و ضرورت توجه به تاریخ هنر جدید از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و پیرو جنبش مه ۱۹۶۸ مطرح شد (Haris, 2007: 14). تحولات هنری تابع پیدایش ابژه‌های جدید است و از آنجا که ابژه‌های هنری، در انسان برحسب اینکه چه ویژگی‌هایی داشته باشد، تأثیرات متفاوت ایجاد می‌کند، نمی‌توان تاریخ هنر را به‌عنوان مجموعه‌ای از قوانین متافیزیکی همیشه درست و حقیقت یگانه در نظر گرفت که با بهره‌گیری از روح تاریخ، سره را از ناسره و صحیح را از سقیم ممتاز می‌کند (رفویی، ۱۳۸۶: ۱۷). سه گرایش عمده‌ی تاریخ هنر جدید «مدرن» «تازه‌طلب» و «انتقادی» در تعارض با هنر کلاسیک قرار دارد که «قدیمی» «کهنه‌گرا» و «منفعل» است.

س‌رآغاز توسعه‌ی نظام اقتصادی - اجتماعی ایران می‌دانند و برآنند که بدین‌سان طبقه‌ی روشنفکر در جهت ایجاد دستی آهین و دیکتاتوری مصلح، حکومت رضا خان را در جهت برنامه‌های نوسازی در ایران بهترین گزینه و نظام ممکن تشخیص دادند. محسن آزموده در گفتگویی با عیسی عبدی نویسنده‌ی کتاب مردم در گفتمان‌های تاریخ معاصر ایران با عنوان «از رعیت تا مردم» به چگونگی تحول واژه و جایگاه سیاسی مردم به عنوان سوژه‌ای منقاد در ادوار گوناگون می‌پردازد و عبدی با رویکردی نشانه‌شناسانه با بررسی مفهوم «مردم» به عنوان یک دال محوری در گفتارهای تاریخ سیاسی معاصر به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. شماره ۷۸ فصلنامه "حرفه هنرمند" با ارائه‌ی اسنادی از اولین مکاتبات رسمی هنر در شناسایی گسست‌های موجود در گفتمان تعهد یا بهتر است بگوییم هنر متعهد ایران نقشی مهم ایفا می‌کند. وحید آگاه در مقاله‌ی «نظریه‌های معطوف به هنر: مقدمه شناخت آثار هنری به مثابه رسانه» برای معرفی و شناسایی هنر به عنوان یک رسانه به معرفی و بررسی آراء و نظریه‌های گوناگون در باب "هنر برای هنر" و "هنر برای همه" می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش از نظر هدف

پژوهش از نوع پژوهش‌های انتقادی است و هر سه گروه اکتشافی، تبیینی و توصیفی را شامل می‌شود.

نوع پژوهش از نظر روش

پژوهش‌ها سه دسته‌اند: کمی، کیفی و ترکیبی. پژوهش حاضر از نوع کیفی است و با استفاده از روش تبارشناسی فوکویی تحت پارادایم انتقادی و با تأکید بر گسل‌ها و انقطاع‌های تاریخی به شناسایی نیروهای تشکیل‌دهنده‌ی شبکه‌ی قدرت - دانش^۱ گفتمان هنر متعهد در گستره‌ی تاریخ هنر معاصر ایران اهتمام می‌ورزد.

رویکرد بر حسب نوع و ضرورت مسئله

این پژوهش با رویکرد انتقادی تحت‌تأثیر اندیشه‌های پسا‌ساختارگرایی و از روش تبارشناسی فوکویی تبعیت می‌کند. در تبارشناسی ساختارها محصول تاریخ‌اند و به جای موضع ساختارمند پدیده، بر انقطاع‌ها و گسل‌ها، کثرت رویدادها، عدم تداوم و فقدان وحدت و خصلت‌های ساختار ساز رویداد تمرکز و تأمل می‌شود. جهان تبارشناسی جهان انبوه خطاها و خیال‌های مخلوق فراوانی رویدادهاست. تضاد منحصربفرد رویدادها، نیروها را خلق می‌کنند. نیروها و عوامل مؤثر بر آن که محاسبه‌ناشدنی و اتفاقی هستند. یعنی بر مبنای گزاره‌های گفتمانی موجود محاسبه نشده و درست در لحظه‌ی تغییر مسیر ظاهر می‌شوند. به عبارتی رویدادها تابع منطق تضادهاست که منجر به ایجاد وضعیتی ساختاری می‌شود. این نقطه همان نقطه‌ی گسست از نظم و ساختار پیشین است. بنابراین رویدادهای متکثر را نمی‌توان به سادگی به یک ساختار بنیادین یا واحد تقلیل داد. آغازگاه هر پدیده توسط تبارشناس کشف شده و ریشه‌ی وضعیت کنونی را در این کثرت فهم می‌کند.

۱. قدرت، دانش تولید می‌کند. قدرت و دانش اشاره‌ی مستقیم به هم دارند. هیچ رابطه‌ی قدرتی که متناظر بر یک حوزه‌ی دانش نباشد، نیست و هیچ دانش بدون پیش‌فرضی وجود ندارد که پایه‌گذار روابط قدرت نباشد (Foucault, 1977: 77).

کار بست روش

در این مقاله با استفاده از مفاهیم و نظریه در احاطه‌ی روش تبارشناسی، تمرکز بر ادبیات نظری پروبلماتیک و چگونگی بدل شدن تعهد به کلیدواژه‌ی بنیادین است و اینکه چه شد که تعهد مسئله شد و موضوعیت یافت. بر محور مفهوم التزام جنبش تنباکو به عنوان مهم‌ترین خیزش داخلی بررسی شده و اینکه از چه برهه‌ای، عرصه‌ی عمومی زندگی اجتماعی به مسئولیت هنر بدل شد؛ تحلیل می‌شود. تعهد پادشاه و جایابی این نقش در سوژه‌ی شهروند و سپس در هنر و هنرمند از دل رساله‌ها و اسناد تاریخی استخراج شده و این مسئله برجسته می‌شود که مطالبات نظم نوین با کلیدواژه‌ی عدالت و برابری خواهی چگونه در صدد ایجاد نظمی جدید مبتنی بر بازنمایی عرصه‌ی عمومی زندگی اجتماعی در هنر بود.

در گام نخست متون در پیوند با زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مطالعه می‌شوند تا بتوان روابط دال و مدلول را در آن ردیابی کرد. یعنی گزاره‌های راهبردی که اعمال قدرت^۱ بر ابژه را صورتبندی می‌کنند در بستر تاریخی‌شان و چگونگی اعمال قدرت در برساختن ابژه‌ی جدید ردیابی می‌شود. تبارشناسی به دنبال پدیده‌هایی است که به نظر فاقد تاریخ می‌رسند و رویدادها را در جاهایی که انتظار نمی‌رود، جستجو می‌کند (Foucault, 1998; 369). در اندیشه‌ی فوکو رویدادها حاصل به هم پیوستگی رخدادها می‌باشند است که می‌توانسته به شکلی متفاوت بروز کند (میلز، ۱۳۹۹: ۱۸۳). یعنی آنچه اکنون هست، می‌توانست صورت دیگری داشته باشد یا به عبارتی «این تاریخ چگونه متفاوت بودن است» که اساس پژوهش تبارشناسی است (کچوپیان، ۱۳۸۲: ۱۳).

گفتمان در متون تبارشناسی هم وسیله‌ی انتقال قدرت و هم مولد قدرت است. قدرت را هم تقویت می‌کند و هم به خطر می‌اندازد و آسیب‌پذیر می‌کند (فوکو، ۱۳۹۹ الف: ۱۱۷) و هر گفتمان بر انبوهی از شرایط پیشاگفتمانی و فراگفتمانی استوار است که در راستای شرایط ایجاد گفتمان می‌بایست مدنظر تحلیل باشد. عوامل ناگفتمانی طیفی از وقایع و رخدادها، کردارها و حوزه‌های نهادی است و کردارهای غیرگفتمانی محیط‌ها یا فضاهایی هستند که کردار گفتمانی را دربر گرفته و تغییر شکل می‌دهند (دریفوس و رایینو، ۱۳۹۹: ۱۶۴). بدین‌سان فراگفتمان تحت سیطره‌ی گفتمان تبدیل به موضوع شده و بازآفرینی می‌شود. همچون خیزش‌های داخلی به مثابه امر پیشاگفتمانی که درون نظام بیگانه‌ستیزی، خودکامه‌ستیزی و برابری خواهی محاط شده و در خلال همین نظام گفتمانی الگوی التزام در امور سیاسی سربرمی‌آورد و در مسیر انتقال، سوژه‌ی هنرمند متعهد را برمی‌سازد. بنابراین آنچه به عنوان مبدأ پدیده می‌شناسیم همان شکل بازسازی شده‌ی وحدت‌یافته از آغازگاه متکثر با رخدادهای خرد و گاه متناقض است (کچوپیان و زائری، ۱۳۸۸: ۲۰). مبدأ در تبارشناسی پیچیده است و تحلیل مبدأ نزد تبارشناس اهمیت دارد. از این جهت که این امکان را فراهم می‌آورد تا زیر شکل واحد یک ویژگی یا یک مفهوم، کثرت رویدادهایی را بازباییم که موجب شکل‌گیری این ویژگی یا مفهوم شده است (فوکو، ۱۳۸۱: ۳۷۸). فوکو پدیده را در تاریخ تا جایی به عقب می‌برد که دیگر دیده نشود یعنی تا جایی که اولین صورتبندی از آن شکل گرفته است. بنابراین جنبش‌های پیشامشروطه و به طور خاص جنبش تنباکوی سال ۱۲۶۹ ش.ه / ۱۸۹۰ م به عنوان اولین جنبش در تاریخ شورش‌ها و جنبش‌های ایران که به صورتی گسترده توده‌ی مردم در آن مشارکت دارند و شکل‌گیری عامل سیاسی جدیدی به نام «شهروند» در ارتباط با پدیده‌ی تعهد مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

فوکو گزاره را کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده‌ی گفتمان می‌شمارد و مجموعه‌ای از گزاره‌هایی که به سیستم واحدی از شکل-گیری تعلق دارند را عامل قطعیت اصطلاح گفتمان معرفی می‌کند (فوکو، ۱۳۹۹ ب: ۱۵۸). در مورد سوژه فوکو می‌گوید: «درون مایه‌ی

۱ سازوکار و رویه‌های قدرت را باید تکنیک‌هایی به شما آورد که ابداع و تکمیل شده‌اند و بی‌وقفه توسعه می‌یابند. در واقع یک تکنولوژی تمام عیار قدرت‌هایی که تاریخ خاص خود را دارند وجود دارد (Foucault, 2007: 154-163)

جنبش تنباکو لحظه‌ی صفر گفتمان تعهد در هنر

برساخت سوژه‌ی سیاسی مردم و تبدیل رعیت به شهروند و شاه متعهد، ورود پیروزمندانه و مداخله‌ی موجه روسیه همگام با مردم و با سیاستی دوسویه در تقابل با حکومت قاجار و ایجاد دوگانه‌ی وطن‌پرست و وطن‌فروش، جنبش تنباکو را به مثابه رویدادی مهم و گفتمان-ساز و نقطه‌ی عزیمت گفتمان هنر چپ/ متعهد بر صدر شورش‌ها و جنبش‌های داخلی ایران قرار می‌دهد. در حقیقت جنبش تنباکو لحظه‌ی صفر شکل‌گیری تعهد در پادشاه، جایابی آن در "شهروند" و نمایندگانش و در نهایت در هنر و هنرمند محسوب می‌شود.

در تاریخ ۸ مارس ۱۸۹۰ م ناصرالدین شاه در پی سفر به انگلستان طی تعهدنامه‌ای در ۱۵ فصل، امتیاز بهره‌برداری از توتون و تنباکوی ایران را به مدت ۵۰ سال به فردی به نام ماژور تالبوت واگذار کرد. این اولین امتیازی نبود که دولت ایران به دول استعماری اعطا می‌کرد اما این رخداد به مثابه «امر آگاهی‌بخش» عموم را در جریان اعمال حاکمان داخلی و دخالت خارجی‌ها قرار داد. این رویارویی مردم با حکومت اولین حرکت سیاسی عامه‌ی مردم در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی به حساب می‌آید.

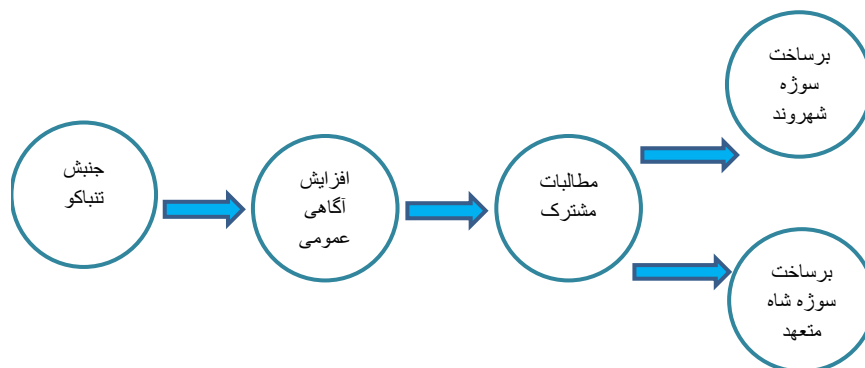
در این جنبش که از شیراز شروع شد، روشنفکران، روحانیون و تجار متحد شدند و مراجع همزمان هم نمایندگان دینی شدند و هم نماینده‌ی مردم. این اولین بار بود که همه حول یک مطالبه‌ی مشترک به مثابه مردم گرد هم آمدند (شجاعی زند و فرهنگی، ۱۴۰۰: ۲۰۶). از یک طرف در خلال اعطای امتیاز تنباکو به انگلستان تجار و کسبه دچار نقصان اقتصادی شده بودند و این، منافع قشر روحانی را به عنوان منبع اصلی درآمدشان به مخاطره می‌انداخت و از طرفی روحانیون در زمان قاجار پس از دربار در مرتبه‌ی دوم هرم قدرت اجتماعی قرار داشتند و نقش رابط و مدافع حقوق مردم در مقابل دربار را ایفا می‌کردند و از حمایت حداکثری برخوردار بودند. قشر روشنفکر نیز عهده‌دار نقش رابط و محرک روحانیت بودند. بنابراین هر سه قشر نیازمند حمایت یکدیگر شدند و در راستای اتحاد همگانی سه اعلامیه با سه مخاطب شاه، مردم و روحانیت منتشر شد (نوذری، ۱۳۹۰: ۱۳۴). این اولین باری بود که رعیت در جایگاه "شهروند" مورد خطاب قرار می‌گرفت.

ناظم‌الاسلام کرمانی در خصوص حرکت عمومی در اعتراض به واگذاری امتیاز تنباکو و حمایت از فتوای تحریم تنباکوی میرزای شیرازی می‌گوید:

«اهالی تهران از اعلی و ادنی، زن و مرد، سیاه و سفید، غریب و خودی، بومی و شهری، خرد و مملوک، از صغیر و کبیر به هیجان آمده، زلزله در ارکان شهر افتاد و همه ناله‌کنان و فریاد زنان واشریعتا گویان به هر طرف در حرکت و دور خانه‌ی میرزا - میرزای شیرازی - طواف‌کنان بودند و به فاصله‌ی یک ساعت تمام دکانین و سراها بسته و تعطیل عمومی شد. راستی شور ملی را چه اثر است؟» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۲۰).

مراد از همه‌ی مردم در اینجا "شهروندانی" هستند که به امتیاز، اعتراض داشتند و مطالباتشان از طریق مراجع دینی نمایندگی می‌شد اما مهم اینست که جنبش تنباکو به عنوان یک پدیده‌ی ملی منجر به ظهور سوژه‌ی "شهروند" و جایگزینی شهروند به جای رعیت شد.

سیاست رهبران شورش در جنبش تنباکو مبتنی بر خواست و مطالبه‌گری از جانب مردم و به نام مردم بود و این تقابل مفاهیم دولت و ملت در کنار اسلام در تقابل با بیگانگان، در قالب گفتمان ظهور پیدا کرده و سیاست مطالبه‌گری مردم شکل گرفت (شجاعی زند و فرهنگی، ۱۴۰۰: ۲۱۴). این ایجاد خواست عمومی و مطالبه‌ی همگانی تعهدآور بود. بست‌نشینی، تحریم و فراخواندن سوژه‌ی منقاد به کردار دینی توسط نمایندگان دینی جنبش، شاه را که خود مقام و مشروعیت دینی (ظل‌اللہی) داشت مجبور به لغو قرارداد و پذیرش مسئولیت و پاسخگویی به «شهروندان» کرده و «شاه متعهد» بر ساخته شد.



شکل ۲. برساخت سوژه شهروند و شاه متعهد

جایابی تعهد در کردار و کار سوژه‌ی سخنگو (شهروند)

در همین دوره به دلایل بسیار داخلی همچون استبداد قاجاریه، نظام بی‌کفایت قبیله‌ای، تخریب مذهبی و انحصارطلبی، ضرورت ایجاد یک تحول اساسی احساس می‌شد. عوامل خارجی همچون توسعه‌ی روابط ایران با غرب و اعزام دانشجویان به خارج منجر به ورود آراء و افکار تازه به کشور و تحول فکری مردم شد و سوژه‌ی روشنفکر جدید را در مقابل روشنفکر درباری قرار داد. واژه‌ی روشنفکر در مفهوم غربی آن تداعی‌کننده‌ی «گفتمان انتقادی» ارزش‌ها و عقاید است (بشیر، ۱۳۸۶: ۴۵). سقراط و افلاطون آن را «وجدان منتقد جامعه» (Boroujerdi, 1996: 20) و آلون گولدر روشنفکران را «گروهی سخنور که ترویج‌کننده‌ی فرهنگ گفتمان انتقادی» است، معرفی می‌کند (همان: ۲۰) و ماکس وبر می‌گوید: «کسانی که از امتیاز دسترسی به برخی دستاوردها موسوم به «ارزش‌های فرهنگی» برخوردارند و بنابراین رهبری «جامعه‌ی فرهنگی» را به سلطه‌ی خود درمی‌آورند (بشیر، ۱۳۸۶: ۴۷) به نقل از (Weber, 1981: 176). بنابراین از ابتدای ظهور روشنفکر جدید انتقاد به شرایط موجود سیاسی اجتماعی به عنوان نقش کلیدی این طبقه تعریف شد.

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم سفر و تحصیل خارج از کشور از طبقات بالای جامعه به اقشار متوسط تسری پیدا کرد و آگاهی مردم از مسائل سیاسی اجتماعی افزایش یافت. علاوه بر آن روشنفکران برای بیان عقاید خود و انتقال آن به طبقه‌ی متوسط تازه شکل گرفته، نیازمند رسانه‌ای جدید بودند که جایگزین رسانه‌های سنتی و یک سویه همچون مسجد و منبر و وعظ شود. بنابراین مطبوعات بیش از هر رسانه‌ای می‌توانست پاسخگوی نیاز «سوژه‌ی منتقد» به‌ویژه طبقه‌ی روشنفکر باشد. پیدایی طبقه‌ی روشنفکر و مطبوعات تقریباً همزمان بود. به دلیل بسته بودن فضای سیاسی و قرارگیری حکومت در مقابل روشنفکران داخلی و خارجی و آزادی بیان مطبوعات خارج از کشور، روشنفکران ایرانی در مطبوعات خارجی پیرامون مسائل داخلی کشور و حکومت درباره‌ی هر موضوعی می‌نوشتند و هر نوع مرامی را ترویج می‌دادند (بشیر، ۱۳۸۶: ۶۰). در نتیجه پیرو افزایش گفتمان‌های سیاسی اجتماعی اواخر قاجار تنوع روزنامه‌ها افزایش یافت. قدرت مستبد قاجار و ضرورت اعمال «قانون» به مسئله تبدیل شد و رفته‌رفته تعهد از شاه در مردم و نمایندگان مردم جایابی شد و مفاهیم جدیدی همچون مشروطه، آزادی، قانون، حقوق فردی، برابری، عدالتخواهی، اصلاح-طلبی و سوسیالیسم به بدنه‌ی جامعه ورود کرد. هرچند پیش‌تر نیز از دست دادن بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های شمالی ایران در خلال نظام سیاسی کهن، پیرو جنگ‌های ایران و روس و جدایی هرات از ایران در جنگ و جدال با انگلیس (امپراتوری بریتانیا) منجر به از دست رفتن اقتدار حکومت و ضرورت قانون‌گذاری و اصلاح قانون شده بود (ناطق و توفیق، ۱۳۹۶: ۷۱).

پروبلماتیک شدن وطن و شکل‌گیری دوگانه‌ی وطن‌فروشی و وطن‌پرستی

جنبش تنباکو پیامد دیگری نیز داشت: پروبلماتیک شدن وطن، ایجاد دوگانه‌ی فرزندان خلف و فرزند خوانده‌های مام وطن و نقش دوگانه‌ی روسیه در قبال حکومت و مردم ایران. کمپانی انگلیسی رژی عده‌ای از افراد باسواد جامعه را استخدام کرد و آنان را در مقابل کسبه و مردم عادی قرار داد. افراد متخلف توسط کمپانی مجازات می‌شدند و اینگونه شماری از کارکنان کمپانی به وطن‌فروشی ملقب شدند و کمپانی با ایجاد تفرقه بین مردم دو قطبی وطن‌فروشی و وطن‌پرستی را ایجاد کرد.

از طرفی با توجه به اینکه در خلال جنبش تنباکو به عنوان یک خیزش ملی و عمومی که منافع اقشار گوناگون را در بر می‌گرفت، شاه فره ایزدی خود را از دست داد و به پدری متعهد بدل گشت؛ مسئله‌ی وطن که پیشتر طی سیاست‌های کهن حکومت مطرح شده بود به مسئله‌ای جدی و گفتمان‌ساز بدل شد و گفتمان مام وطن یا «پیکر مادرانه‌ی وطن» در مقابل «پدر تاجدار» که اکنون عهده‌دار پاسخگویی به خواست‌های همگانی ملت بود؛ قرار گرفت. بنابراین ناکارآمدی حکومت در حفاظت از مرزهای ملی و مال و ناموس مردم منجر به درهم تنیده شدن ناموس شخصی و ناموس ملی شد و «فرزندان وطن» را مسئول پاسداری از حال زار مام وطن کرد (ناطق و توفیق، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

در گفتمان مام وطن، عده‌ای از فرزندان وطن با نگرشی نخبه‌گرایانه، حقوق برابر خود با سایر افراد را نادیده گرفته و خود را فرزندان خلف وطن خواندند و سوژه‌ی فرزند خوانده‌ی وطن در جایگاه اقلیت‌های قومی، زبانی، مذهبی، زنان، عشایر، دهقانان و کارگران بر ساخته شد. رعایا از حق انتخاب محروم ماندند و اینگونه تشکل‌ها، احزاب و انجمن‌ها در راستای مبارزات آزادی‌خواهانه شکل گرفتند (ناطق، ۱۳۸۰: ۶-۱۶).

جنبش تنباکو آغازگاه خودی‌انگاشتن دیگری در سیاست‌ورزی خارجی

روی دیگر سکه‌ی رویدادهای عظیمی همچون جنگ‌های ایران و روس، جدایی هرات و بیماری‌های همه‌گیر، اینگونه بود که هم‌آگاهی را به مسئله تبدیل کرد و هم عدم کفایت آموزش داخل کشور و هر آنچه به منافع همگانی و عمومی مربوط می‌شد و این بیش از پیش، زمینه‌ی حضور نیروهای خارجی را در همه‌ی زمینه‌ها در کشور میسر کرد.

قرن نوزدهم عرصه‌ی رقابت دو دولت روسیه و انگلیس در ایران بود و جنبش تنباکو بر ضد امتیاز یک طرفه‌ی دخانیات در ایران، نفوذ روسیه را جایگزین چیرگی بریتانیا کرد (احمدی‌منش، ۱۳۹۰: ۴۴). - امتیازنامه‌ی رژی «امتیاز توتون و تنباکو» اوج نفوذ سیاسی و اقتصادی انگلستان در ایران بود - در این دوره از سوی مردم چندان به روس‌ها دلخوش و امیدوار نبودند که خود را از امتیاز بیدادگرانه‌ی انگلیس برهاند - هرچند در شهرهایی همچون شیراز و شهرهای خراسان و آذربایجان که در مجاورت مرزها بودند، علی‌رغم هراس از دخالت مستقیم، روس‌ها در میان مردم هوادارانی داشتند - از سوی هم دولتمردان و سیاستمداران بی‌اعتقاد به حضور دول بیگانه و خودی‌انگاشتن دیگری در دستیابی به اهدافشان نبودند. حتی برخی از روحانیون بلندپایه خارج از دربار نیز با سفارت روسیه در ارتباط بودند. - این گروه در میان مردم جایگاه درخوری نداشتند - بنابراین راه‌های نفوذ روسیه در این جنبش، غیرمستقیم بود. یعنی روس‌ها نه قادر به تزریق مفاهیم تازه‌ی سیاسی و ضداستبدادی به مردم ناراضی بودند و نه می‌توانستند بر مفاهیم وطن‌خواهانه و بیگانه‌ستیز تأکید کنند. از اینرو روسیه سیاستی دوگانه و مرموز در پیش گرفت.

درواقع تلاش‌های روسیه علیه رژی در می ۱۸۹۰ با شنیدن شایعه‌ی واگذاری امتیاز به انگلستان آغاز شد. در سطح سیاسی و اقدامات دیپلماتیک، روسیه اقدام به ارائه‌ی پیشنهاد و درخواستی مشابه داد. بوتزوف وزیرمختار روسیه، واگذاری امتیاز رژی را خلاف قرارداد ترکمانچای خواند و خواستار لغو آن شد (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۲۳۳).

ولف وزیرمختار بریتانیا در گزارش ۱۴ سپتامبر ۱۸۹۰ م. اعلام می‌کند: «روس‌ها بر آنند که انحصاری در ایران را مطالبه کنند و سفیر روسیه در صدد است که الغای کلیه امتیازات اعطا شده به انگلیس و دیگران را خواستار شود». امتیازاتی که مورد اشاره‌ی وی قرار گرفته عبارتند از: کشتی‌رانی در رود کارون، بانک، معادن، راه‌ها، کبریت، نفت، صابون و هرگونه امتیاز دیگری که هنوز علنی نشده است (کدی، ۱۳۵۸: ۵۰). اما تلاش‌های روسیه با مقاومت و ایستادگی شاه و صدراعظم روبرو شد. بنابراین روس‌ها به موافقت ایران برای معاف نمودن اتباع روسیه از امتیازنامه‌ی تنباکو بسنده کردند (گزارش دوبالو وزیرمختار فرانسه: ۳۰ اکتبر ۱۸۹۱ - نک: کدی، ۱۳۵۸: ۵۳) (احمدی‌منش، ۱۳۹۰: ۴۷).

روس‌ها در سطح مردمی و ملی نیز با دسیسه‌چینی به صورت مخفیانه مردم را به‌ویژه مردم تبریز را به خیزش عمومی فرا می‌خواندند.

از سویی روس‌ها به دلیل گرفتن امتیاز تأسیس بانک استقراری در ایران علیه قرارداد رژی واکنش علنی علیه حکومت نشان ندادند و حتی مردم را آشکارا دعوت یا ترغیب به مبارزه نکردند اما از آنجا که منافع مالی‌شان نیز به دلیل ورود اجناسی از قبیل قلیان، سرقلیان چینی و بلور ساخت روسیه به ایران و معطل ماندنشان در انبارها به مخاطره می‌افتاد، به صورت پنهانی و در محافل خصوصی مخالفت خود با امتیاز تنباکو را اعلام می‌کردند. بنابراین می‌توان گفت، یکی از دلایل ورود اندیشه‌ی روس‌ها به ایران مقابله و مبارزه‌ی ایران با دیگر قدرتها و مبارزه‌ی توأم قدرتها با روسیه و در نتیجه، اعتماد و اتکای ایران به روسیه بود (نوذری، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

در نهایت فشار مستقیم و غیرمستقیم روسیه به ایران برای الغای انحصارنامه‌ی یک جانبه و یک سویه‌ی دخانیات ایران و خیزش ملی و اتحاد سراسری همه‌ی اقشار مردم، شاه را مجبور به لغو امتیاز تنباکو و پرداخت خسارت به کمپانی رژی کرد. خسارتی معادل مبلغ پانصد هزار لیره به عنوان تاوان دریافت وام از بانک شاهی با سود صدی شش به کمپانی پرداخت شد و ایران را مقروض بانک شاهی و خارجی‌ها کرد.

در یک نگاه نتایج حاصل از جنبش تنباکو در ایجاد تعهد اجتماعی بدین شرح است:

۱. تبدیل مقام ظل‌اللهی به شاه متعهد و مسئول
۲. تبدیل عوام کالانعام به شهروند و ظهور عامل سیاسی جدیدی به نام مردم
۳. نفوذ و قدرت یافتن روحانیون
۴. مقروض شدن ایران به بانک شاهی و خودی انگاشتن دیگری
۵. جلب اعتماد مردم توسط دولت روسیه و اعتبار یافتن روسیه در میان توده‌ی مردم
۶. شکل‌گیری جنبش ملی و طرح منافع همگانی
۷. پروبلماتیک شدن وطن و ایجاد دوگانه‌ی وطن‌فروشی و وطن‌پرستی
۸. مطالبه‌گری از زبان مردم و برای مردم
۹. به کار بردن استراتژی انتشار اعلامیه و مخاطب قراردادن همه‌ی اقشار مردم
۱۰. ضرورت ایجاد نظم نوین و پروبلماتیک شدن قانون

شاه ایران در خلال جنبش تنباکو و پیرو از دست رفتن بخش‌هایی از کشور فره ایزدی خود را از دست داد و بدل به پدری تاجدار و متعهد شد. بیگانگان در کشور بیش از پیش نفوذ کردند و اصلاحات در امر سیاسی به مهم‌ترین دغدغه‌ی روشنفکران یا نخبگان

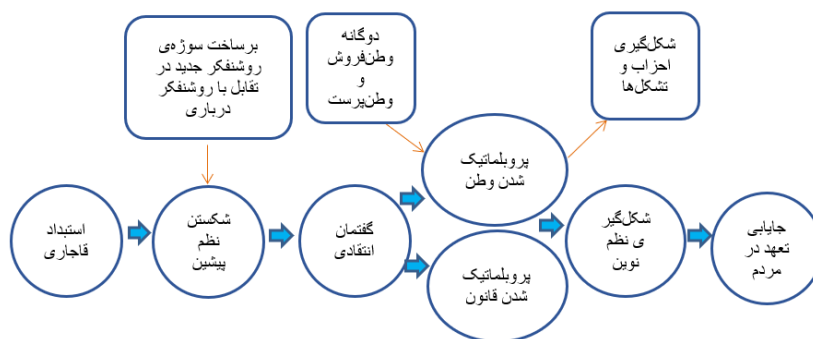
اجتماعی و به مسئله بدل شد و ملکم خان با الهام از جنبش تنظیمات عثمانی «دفتر تنظیمات» از اولین و مهم‌ترین طرح‌های اصولی انجام اصلاحات در سده‌ی نوزدهم را به نگارش درآورد. «دفتر» هشدار می‌دهد که اگر شاه قوانین اصلاحی را نادیده بگیرد، کشور به کام بیگانه فرو می‌رود و تأکید می‌کند که قوانین جدید باید بر دو اصل اساسی استوار باشد: توسعه‌ی رفاه عمومی و برابری همه‌ی شهروندان. دو قانون ناظر بر منافع همگان (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۸۵). این شاید از نخستین جرعه‌های جایابی تعهد و مسئولیت اجتماعی از شاه که در انجام تعهدات خود در قبال جان‌ها و مرزها عاجز است در سوژه‌ی "شهروند" باشد و شاید نه در قالبی علنی و علمی اما جایابی تعهد در هنر و هنرمند یا در گام اول در نخبگان اجتماعی را بنیان می‌گذارد. مراجع دینی شاه را نسبت به مفهوم قانون که آن را نوعی بدعت و وابسته به فراماسون‌های جمهوری خواه ملحد اروپایی تلقی می‌کردند؛ حساس کرده و ناصرالدین شاه، دفتر تنظیمات را کنار گذاشت و ملکم خان را به عثمانی تبعید کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۸۵). به نظر می‌رسد ملکم خان در این دوره‌ی تبعید دست به خلق اثر طنزآمیز خود یعنی «شرح حال یک مسافر» زد. این اثر یکی از نخستین آثار ادبی با نثر ساده و بدون عبارت‌پردازی‌های سستی است که هم روشنفکران درباری و شعرا را به دلیل زبان مبهم و چالپوسی به باد تمسخر می‌گیرد و هم رهبران دینی را به دلیل توسل به اوراد و سخنان مجازی، عدم تساهل و بی‌اعتمادی به علوم جدید و فخرفروشی و نادانی (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۸۶). رسالاتی در باب مطالبات همگانی و پروبلماتیک کردن مردم و جمعیت‌ها در رویه‌های قدرت که تعهد پادشاه و جایابی این تعهد در سوژه‌ی "شهروند" در خلال وضع قانون را متذکر می‌شود؛ نیز در عصر قاجار و حوالی سال‌های منتهی به جنبش تنباکو وجود دارد. همچون کشف‌الغرائب (رساله‌ی مجدیه) و دستورالاعقاب که تصویری از حیات مردم ارائه می‌دهد (حیدری، ۱۳۹۵: ۲۴۸). در این رسالات «آنچه پروبلماتیک می‌گردد، بدبختی و فلاکت ایران و مردمش است که می‌باید با قدرت و تدبیر و عقلانیتی جدید که همان تنظیمات است؛ ساماندهی شود. یعنی شیوه‌ای از رصدپذیر کردن جمعیت‌ها و کردوکار جدیدی از قدرت که باید بر وضعیت آشفته و بی‌قاعده که جایگاهش در مردم است فائق آید» (حیدری، ۱۳۹۵: ۲۴۸).

در باب تربیت مردم و تعهد پادشاه در رساله‌ی کشف‌الغرائب آمده: «میل خاطر پادشاه، آنچه شنیده‌ایم مصروف است به تربیت مردم و ترک رذایل و ترویج رسوم آدمیت و انسانیت و از آنچه اسباب بطالت و ضایع شدن وقت است و نتیجه عقلی ندارد، اعراض دارند» (حیدری، ۱۳۹۵: ۲۵۰) به نقل از (کشف‌الغرائب، ۳۶).

در باب پروبلماتیک شدن مردم: در رساله‌ی دستورالاعقاب نیز که نقدی تند بر حاج میرزای آقاسی در معاصی ملت و ظلم دولتمردان است، مردم و ملت در مقابل دولت پروبلماتیک می‌شود. این کتاب مجموعه‌ای از داستان‌هاست در باب ظلمی که به افراد می‌شود و مقصر آن را وابستگان به صدراعظم و دولت می‌داند. این رساله را می‌توان در چارچوب نوشتن تاریخ مردم در مقابل تاریخی که از شکوه شاهان و دولت سخن می‌راند، فهم کرد (حیدری، ۱۳۹۵: ۲۵۲). از کلیدواژه‌های اصلی این رساله ظلم و تظلم‌خواهی است. «معروف است متظلمی از کسان او به خدمتش تظلم آورد. گفت از شیراز جلا جو و راه اصفهان رو. مظلوم گفت: عبدالرحیم خان آنجاست. به کاشان و قم رو. گفتا: اسدالله خان است. گفتا به بروجرد و کرمانشاه گریز. گفتا: حسن خان است. گفتا: جهنم رو. گفتا: حاجی هاشم آنجاست (حیدری، ۱۳۹۵: ۲۵۳) (دستورالاعقاب، ۳۳).

رساله‌ای دیگر که در باب مسئله‌ی مردم و انتقال مسئولیت اجتماعی به مردم حائز اهمیت است و ترقی دولت را در گرو ترقی ملت می‌داند، رساله‌ی «اصول حکمرانی» از احمدبن محمد است همان میرزااحمدخان صدیق. این رساله عقل ملت را وارد معادله‌ی نظم جدید می‌کند، «به شقوق نظم» و انواع نظم اشاره دارد و جای پادشاه را نیز در این الگو مشخص می‌کند. پادشاه خود نیرویی است در این نظم و نمی‌تواند بر فراز آن باشد.

«... خبط اهل ایران این است که انتظام را حاصل عقل سلاطین می‌دانند. حال اینکه به جز در ملک اهل روس انتظام دول حاصل عقل ملت بوده است وانگهی چه ایرادی به پادشاه دارید؟ سلاطین مستقلی که تعهد کرده‌اند که همیشه و همه‌جا ناپولیون واقع بشوند، شما می‌خواهید که پادشاه ما هم از برای خود عقل داشته باشد؟ هم عوض وزرا کفایت کند و هم عوض رعیت به طلب برخیزد؟ ...، جمیع شقوق نظم را از پادشاه توقع داریم. می‌خواهیم که پادشاه هم معلم قانون باشد، هم قانون بگذارد، هم قانون را مجری بدارد و حتی منتظر هستیم که مجلس ما را نیز پادشاه نظم بدهد» (اصول حکمرانی: ۴۲۷) (حیدری، ۱۳۹۵: ۲۵۳).



شکل ۳. جایابی تعهد در کردوکار سوژه‌ی شهروند

جایابی تعهد در گستره‌ی هنر و کردار هنرمندانه

تحریم تنباکو منجر به افشای دگرگونی‌های بنیادینی در سده‌ی نوزدهم ایران شد و نشان داد که شورش‌های محلی می‌تواند به خیزشی عمومی تبدیل شود، طبقه‌ی روشنفکر متوسط سنتی می‌تواند با هم کار کنند و شاه طبل توخالی است. در واقع امتیاز تنباکو تمیرینی برای انقلاب مشروطه بود (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۹۵).

صورت قانونی یافتن مطالبات مردمی ضرورت یافت و در جنبش مشروطه نمودار شد. تشکله‌ها و نهادها یکی پس از دیگری وجهه‌ی قانونی پیدا کردند و مطبوعات به مثابه سازو کار قدرت، عرصه‌ی بیان و بروز نظم نوین شدند. این دوره دوره‌ای است که نخستین نمونه‌های تأملات مکتوب درباره‌ی هنر در معنای تازه‌ای ظهور کرد. روشنگری در باب تأسیس و گسترش مدارس و تغییر شیوه‌های آموزشی با هدف آگاهی و بیداری مردم و پیشرفت اجتماعی انجام گرفت و آموزش از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه به حساب آمد که می‌توانست به اصلاحات زیادی اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی بینجامد (عسکری، ۱۴۰۲: ۶۵). اینگونه تعهدات اجتماعی به مسئله تبدیل شد.

در راستای اقداماتی اینچنین، در سال ۱۲۸۹ ه. ش. با تصویب طرح تأسیس مدرسه‌ی صنایع مستظرفه در دومین مجلس شورای ملی یک هنرمند (کمال‌الملک) برای اولین بار با ارائه‌ی لایحه‌ای به مجلس به مقامی منصوب می‌شود. در سال ۱۲۸۹ کمال‌الملک از وزارت علوم (معارف) خواست تا دو هزار تومان پول و دویست زرع از اراضی نگارستان را در اختیارش بگذارند تا کارگاه و کلاس دایر کند. معاون وزیر معارف، دویست زرع را به دو هزار زرع افزایش داد و لایحه‌ای به کمیسیون بودجه‌ی مجلس دوم شورای ملی فرستاد.

«وزارت معارف در صدد بود راهی برای پیشرفت این مقصود به دست آورد. از حسن اتفاق میرزا محمدخان کمال‌الملک که در این فن از جمله اساتید و برای تکمیل در اروپا سال‌ها زحمت کشیده است، به صراحت طبع مایل گردیده مدرسه ترتیب دهد (مذاکرات جلسه‌ی ۱۲۴ دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی، ۲۳ رجب ۱۳۲۸).

در این طرح که به پیشنهاد «وزارت علوم و معارف» به کمیسیون بودجه‌ی مجلس شورای ملی ارائه می‌شود؛ تأکید بر یکی از مهم‌ترین شعب معارف است و پرداختن به آن موجب ترقی مملکت تلقی می‌شود.

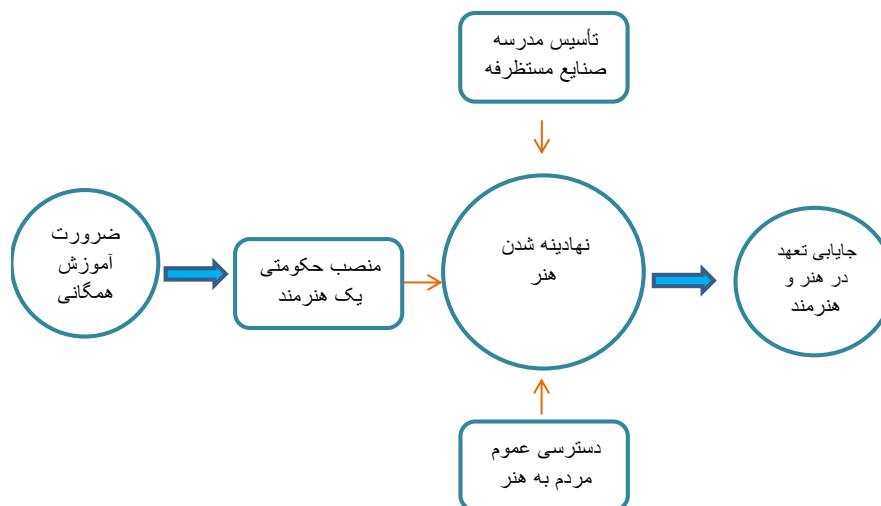
«چون علم نقاشی از شعب مهمه‌ی معارف است و در حقیقت این علم شریف که اصطناع عالی آن مایه‌ی ترقی مملکت است و در ایران، به مرور از دست رفته، وزارت معارف نظر به بسط و نشر این علم در صدد بود برای طرح مسئله طرحی بریزد و راهی در پیشرفت مقصود به دست آرد، چنانچه در لوایحی هم که در تکمیل داده‌اند، پیشنهاد و برآوردی برای ایجاد این مسئله نموده است» (حرفه هنرمند، ش ۷۸: ۱۰)

بنابراین می‌توان گفت در سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۰ شاهد تحرکات رسمی در جهت ایجاد رسمیت و نهادینه‌سازی هنر در معنای جدید آن هستیم که در دوره‌ی پهلوی اول و دوم به اوج خود می‌رسد و شکل رسمی‌تری به خود می‌گیرد. تأکید این سند بر دو مقوله است: یکی اینکه نقاشی را از شعب مهم معارف و علمی شریف می‌خواند و دیگری اینکه اصطناع آن را مایه‌ی ترقی مملکت می‌شمارد که این هر دو به وظایف هنر و مسئولیتی که اشتغال به هنر بر دوش هنرمند می‌گذارد، اشاره دارد و به مسئله‌سازی پیرامون تعهدات اجتماعی هنر می‌پردازد. بنابراین در آستانه‌ی جاییابی مسئولیت و تعهد در "شهروند" و نمایندگان وی از خلال قانون، تعهد اجتماعی به واسطه‌ی جایگاه رسمی هنرمند و نهادینه‌سازی هنر توسط حکومت، متوجه هنر و هنرمند نیز می‌شود.

پیدایش سوژه‌ی "شهروند" به مثابه یک عامل سیاسی جدید، مطالبات جدیدی به همراه دارد و مواجهه با دیگر بلاد نیز جهت مطالبات سوژه‌ی منقاد را تغییر می‌دهد و از هر ابزاری به عنوان ابزار روزرسانی و استراتژی جهانی شدن بهره می‌برد و هنر به زبان روزرسانی مردم تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر پیرو حمایت حکومت از هنر به مثابه علمی شریف که اصطناع آن موجب ترقی مملکت است و بعدتر ورود عکاسی و حمایت از آن به عنوان صنعتی که کتب و روزنامه‌ها را پر از تصویر و اشکال تشریحی و تاریخی می‌کند و آن را در دسترس همگان قرار می‌دهد (دموکراتیزه شدن)؛ عموم مردم به اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند و سطح آگاهی افزایش می‌یابد پس از زبان تصویر برای بیان مطالبات خود بهره می‌برند، فقرا و قشر ضعیف برای بیان خواست‌شان از حکومت هنر را به خدمت می‌گیرند و هنر متعهد نمود می‌یابد. بنابراین بر کثرت جماعتی که به کار هنر مشغولند افزوده می‌شود که دو دسته‌اند: کسانی که درباره‌ی هنر می‌نویسند و کسانی که به کار هنر مشغولند که عموماً گروه اول به ضرورت انجام تعهد و مسئولیت گروه دوم در ادوار مختلف و به طرق گوناگون دامن می‌زنند.

در مقاله‌ای از کریم طاهرزاده‌ی بهزاد در سال ۱۳۰۲ نیز ضرورت اصلاح‌طلبی در کنار ضرورت پرداختن به کار هنر توأم و مترادف به کار برده شده که این تأییدی است بر نقش اجتماعی هنر و مسئولیتی که بر دوش هنرمند می‌گذارد.

«خوشبخت ملتی است که در دماغ‌های افراد آن فکر اصلاح‌طلبی و آبادی و حس احتیاج بر آموختن علم و ادب و فضل و هنر پرورش یابد» (طاهرزاده‌ی بهزاد تبریزی، ۱۳۰۲: کتاب سرآمدان هنر) نقل از (حرفه هنرمند، ش ۷۸: ۲۱).



شکل ۴. جایابی تعهد در گستره‌ی هنر و کردار هنرمندانه

تعهد یک امر درونی و وابسته به ایدئولوژی برخاسته از مسئولیت‌پذیری انسان است ولی مصادیق بیرونی و نمود آن متعدد است. اینکه هنرمند نباید بی تفاوت باشد پذیرفتنی است، اما عکس‌العمل او چه باید باشد؟ مفهوم تعهد می‌تواند در هیأت فراژانر در راستای ارزش‌گذاری اجتماعی عمل کند. همچون هنر متعهد سوسیالیستی، هنر متعهد سیاسی، هنر متعهد انقلابی و هنر متعهد دینی (گودرزپوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۱). در کتاب *وظیفه‌ی ادبیات، التزام یا تعهد* را در قالب نظریه اینگونه شرح می‌دهد: نخستین مرحله از التزام مبنی بر اینکه روشنفکر هر چقدر فرمالیست باشد از جهان جدا نیست را بدیهی می‌داند و در مرحله‌ی دوم، التزام نوعی خودآگاهی است. در این مرحله وضعیت موجود، از حالت انفعالی در می‌آید و به واسطه‌ی این خودآگاهی، سرچشمه‌ی فعالیتی خلاق می‌شود. یعنی نویسنده و هنرمند از زیر تسلط جهان در می‌آید و بر جهان مسلط می‌شود. در مرحله‌ی سوم که تنها مختص قشر روشنفکر است، نمی‌توان آن را به اقتضای زندگی هر قشر یا طبقه‌ی اجتماعی به طور یکسان به کار برد. تفاوت نویسنده یا هنرمند در این مرحله آن است که التزام و تعهدی بدون واسطه در کارش منعکس می‌شود و تنها هستی خود را که همان نوشتن است وارد میدان می‌کند (سمپرون، ۲۵۳۶: ۱۱۵). بنابراین بنیان‌های اصلی نظریه‌ی تعهد یا التزام، خودآگاهی و نگرش انتقادی هستند. آدورنو معتقد است که هنر خودمختار نیز باور به نوعی تعهد هنری است. اما تعهد به خود هنر نه ارزش‌های خاص (شاهین‌راد، ۱۳۹۳: ۲۵). سارتر نیز معتقد است بحث درباره‌ی اینکه مسئولیت هست یا نه بیهوده است. باید گفت مسئولیت هست، اما صورت‌های مختلفی دارد. بنابراین خواه ناخواه ملتزم است و فقط باید پرسید، میزان و نوع این التزام چگونه است (راودراد، ۱۳۹۰: ۵۷).

یکی از مهم‌ترین مراحل تحلیل تبارشناسانه، تحلیل گسست‌ها است. تا جایی که فوکو کل روش تبارشناسی را به گسست تقلیل می‌دهد. تبارشناس در یک دوره‌ی تاریخی، احکام و گزاره‌هایی را شناسایی و استخراج می‌کند که صورت‌بندی خاصی از پدیده را شکل می‌دهند. لحظه‌ی گسست همان لحظه‌ای است که صورت‌بندی دیگر ادامه پیدا نمی‌کند در حالی که منطبق احکام و

گزاره‌های شکل‌دهنده در آن دوره باید تداوم پیدا کند. بنابراین صورتبندی جدیدی از پدیده شکل می‌گیرد که شامل احکام و گزاره‌های تازه است. در واقع پدیده گسسته نمی‌شود بلکه در مسیر تازه‌ای قرار می‌گیرد (کچوئیان و زائر، ۱۳۸۸: ۲۰).

کارکرد تعهد در نسبت با مفهوم پروبلماتیک، در برهه‌های مختلف تاریخی، به‌ویژه گسست‌های تاریخی و مشخصاً در این پژوهش، گسست اول (ظهور تقی ارانی و انتشار مجله دنیا)، گسست دوم (کودتای ۲۸ مرداد ۳۲) و نقطه عطف تاریخی شهریور ۱۳۲۰، متفاوت است. بنابراین تعهد در نسبت با پروبلماتیک شدن وطن، اصلاحات، آموزش، نقد، معیشت هنرمندان، دموکراتیزه شدن فرهنگ و فعالیت‌های حزبی و سازمانی و تعابیر گوناگون این مفاهیم در اواخر قاجار، پهلوی اول و پهلوی دوم، هرچند به نام مردم و از زبان مردم، گاه به‌صورت تعهدات دولتی و یا تعهدات حزبی و سازمانی در هنر صورتبندی می‌شود و هنر متعهد به سه شیوه‌ی بازنمایانه در ارتباط با دانش گفتمانی، خرده تکنیک‌های قدرت و معرفی اپستمی دوران، پروبلماتیزه می‌کند و سوژه‌های گفتمان را برمی‌سازد.

جدول ۱. انطباق اندیشه تبارشناسی فوکو با اجزای مقاله

انطباق ارکان اندیشه‌ی تبارشناسانه فوکو با اجزای مقاله	
جنبش تنباکو	یافتن لحظه‌ی صفر گفتمان
عوام کالانعام به شهروند ظل‌الله به شاه متعهد هنرمند به سوژه منتقد (هنرمند متعهد) روشنفکر جدید در برابر روشنفکر درباری	سوژه منقاد
پروبلماتیک شدن تعهد پروبلماتیک شدن وطن (دوگانه وطن پرست و وطن فروش) (دوگانه شاه متهد و مام وطن) (دوگانه فرزندان خلف و فرزندخوانده‌های وطن) پروبلماتیک شدن قانون پروبلماتیک شدن مسئولیت اجتماعی هنر	پروبلماتیک کردن (مسئله‌سازی)
ایجاد ضرورت قانون‌گذاری (وضع قانون) نهادینه‌سازی هنر و رسمیت‌یافتن منصب حکومتی هنرمند	نقاط جایابی (انتقال)
مطالبات همگانی (سیاست‌ورزی مردم‌مدار)	سازو کار قدرت

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف یافتن نقطه‌ی عزیمت گفتمان تعهد در ایران و چگونگی جایابی تعهد در هنر و هنرمند یا به عبارتی مطالعه‌ی آغازگاه گفتمان هنر متعهد در ایران و چگونگی برآمدن تعهد در گستره‌ی هنر معاصر ایران به مثابه سازه‌ای نظری و مفهومی گردآوری شده است. در گام نخست طی مطالعه‌ی متون در پیوند با زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی‌شان و یافتن گزاره‌های راهبردی، جنبش تنباکو به عنوان نخستین خیزش ملی که منافع همگان را شامل می‌شود به عنوان لحظه‌ی صفر گفتمان، خوانش می‌شود. بنابراین مسئله‌ی اساسی این مقاله نه بررسی چگونگی اثر تعهد بر روندهای تاریخی بلکه پرسش از چیستی خود تعهد و چگونگی جایابی آن از شاه در عرصه‌ی زندگی عمومی و چگونگی بدل شدن عرصه زندگی عمومی به دغدغه‌ی هنر و هنرمند و پیدایش هنر متعهد است.

در بررسی و مطالعه‌ی متون به‌ویژه متون انتقادی و اعتراضی که حاوی اولین صورتبندی‌های فهم جدید از وضعیت هستند، کلیدواژه‌هایی همچون استبداد قاجاری، نظام بی‌کفایت قبیله‌ای، تحجر مذهبی، انحصارطلبی و تسلط بیگانه از رایج‌ترین مضامین به شمار می‌آید. بنابراین آنچه این نظم را درهم می‌ریزد و حقیقتی تازه را برمی‌سازد باید اتفاقی باشد که توان توضیح وقایع پس از خود را داشته باشد. در نتیجه جنبش تنباکو و پیامدهای آن منجر به ایجاد نظم جدید گفتمانی و درهم کوبیدن نظم پیشین می‌شود. به این معنا که وضعیت جدید ابراهام‌های جدیدی را رصدپذیر می‌کند که شاه و دولت در قبال همه‌ی آن‌ها مسئول است. پاسخگویی شاه در مقابل سوژه‌ی سخنگو شاه را از مقام ظل‌اللهی به زیر کشیده و به شاهی متعهد بدل می‌کند. تا پیش از این نیز اقداماتی کم‌دامنه همچون خیزش‌های داخلی و کردار پیرامون آن چون صدور بیانیه‌ها، خطابه‌ها، شب‌نامه‌ها و ... دست به مداخله در وضعیت زده بودند اما فراگیر نبودند ولی با واگذاری امتیاز تنباکو به کمپانی رژی و به مخاطره افتادن منافع همگانی، اقشار مختلف نیازمند حضور علنی یکدیگر در عرصه‌ی سیاست شدند. در این معادله کنش‌های روشنفکران، مطبوعات، منتقدان و روزنامه‌نگاران را در خلق سوژه‌ها و ابراهام‌های جدید گفتمان تعهد و تثبیت آن تا به امروز نباید نادیده انگاشت.

مسئله بر سر چگونگی برآمدن و بدل شدن تعهد به یک رژیم حقیقت و تاریخی است. چنانچه تعهد محصولی وارداتی وابسته به سیاست خارجی و رویه‌های دولت و حکومت‌مندی فهم شود، آنچه پروبلماتیک می‌شود، دولت‌ها و حکومت‌ها هستند. حال آنکه پژوهش حاضر در صدد مطالعه‌ی تاریخ برآمدن رویه‌های دولت یا پادشاه به عنوان کارگزار نیست بلکه پرسش از نفس تعهد است. چرا که با پروبلماتیزه شدن حکومت یا شاه به عنوان کنشگر اصلی تمرکز بر رویه‌ها، گفتمان‌ها، روندها و تاریخی است که دولت نوشته یا دگرگون کرده است. حال آنکه هدف این نوشتار رویه‌ای است که در آن شاه و حکومت به عنوان عنصری درون تاریخ است نه کارگزار اصلی. تمرکز بر تلاقی نیروها و فضای تاریخی آن است که تاریخی چند وجهی است که نیت عاملان در آن چندان دیده نمی‌شود و بر عناصر گفتمان در نسبت با وضعیت عینی و چگونگی برساخت ابراهام‌ها، سوژه‌ها و حقیقت تمرکز دارد.

مطالعه‌ی متون و اسناد قدیمی‌تر نشان می‌دهد که پیش‌تر نیز متونی همچون کشف‌الغرائب یا رساله‌ی مجدیبه، دستورالاعقاب و اصول حکمرانی به مسئله‌ی مردم پرداخته اما گزاره‌ها چنان متراکم و فراگیر نبوده که استراتژی مشخصی از قدرت جدید به حساب بیاید اما در جریان واگذاری امتیاز تنباکو به انگلستان با گونه‌ای از سیاست‌ورزی و کردوکار قدرت مواجهیم که بنیان مشروعیت مطالبات خود را بر سوژه‌ی "شهروند" و خواست آن‌ها بنا می‌کند. از آنجاکه گزاره‌های پیرامون این رویداد به صورت مستقیم مقام ظل‌اللهی پادشاه را نشانه گرفته و سلطنت را در آستانه‌ی فروپاشی قرار می‌دهد؛ اهمیت می‌یابد. نظام گزاره‌ای موجود وضعیت ایران را در این دوره وضعیتی آشوب‌زده، وابسته، مقروض و بی‌سامان بازنمایی می‌کند. گزاره‌های موجود حکایت از خروج شرایط تحصیل خارج از کشور از کف طبقات بالا و تسری آن به اقشار متوسط، ضرورت پیدایی رسانه‌های جدید در تقابل با رسانه‌های یک‌سویه‌ی سنتی همچون مسجد و منبر دارد که بتواند پاسخگوی نیاز مردم باشد. سیاست‌های کهن حکومت، مرزهای ملی را در معرض خطر نفوذ بیگانه قرار داده است و مالیات سنگین، نظام قبیله‌ای ناکارآمد، فروش نوجوانان در شهرهای مختلف ایران و استبداد قاجاری، "پیکر مادرانه‌ی وطن" را به مسئله تبدیل کرده است. شاه متعهد که اکنون پاسخگوی خواست‌های همگانی است در حفظ مرزهای ملی و مال و ناموس مردم ناتوان مانده و این همه فرزندان وطن را متوجه مسئولیت پاسداری از حال زار مام وطن می‌کند. در این صورتبندی جدید کردار نخبه‌گرایانه‌ی برخی فرزندان وطن، فرزندخوانده‌های وطن را در جایگاه اقلیت‌های قومی، زبانی، مذهبی، زنان، عشایر، دهقانان و کارگران رمزگذاری کرده و ضرورت قانون‌گذاری و اصلاح وضعیت حاکم یا به عبارتی ایجاد نظم نوین را پیش می‌کشد. این نقطه، نقطه‌ی تلاقی گفتمان چپ و گفتمان تعهد در ایران است. اقلیت‌ها و رعایای محروم از حق انتخاب، در مطالبات آزادی‌خواهانه و

برابری خواهی یا بهتر است بگوییم برابری با فرزندان خلف وطن، تشکل‌ها، احزاب و انجمن‌ها را بنیان می‌نهند و کردار متعهدانه از دل کلیدواژه‌های جدید همچون قانون، مشروطه، اصلاحات و رفاه همگانی در تشکل‌ها و احزاب موضوعیت می‌یابد. در همین برهه در خلال شکل‌گیری تشکل‌ها و احزاب، وجهه‌ی قانونی یافتن‌شان و قانونی شدن مطالبات مردم و رواج مطبوعات به مثابه عرصه‌ی بیان مطالبات در قالب نظم نوین، نخستین نمونه‌های تأملات مکتوب در باب هنر در معنای تازه‌ی آن نیز ظهور می‌کند. روشنگری درباب تأسیس و گسترش مدارس به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ی تحولات اجتماعی، فرهنگی جامعه، تصویب طرح تأسیس مدرسه‌ی صنایع مستظرفه را در دومین مجلس شورای ملی در پی دارد. در همین مجلس دوم شورای ملی است که با ارائه‌ی لایحه‌ای به مجلس، یک هنرمند «کمال‌الملک» به مقامی منصوب می‌شود. از آنجا که نظم نوین درون کلیتی به نام وطن تک‌تک افراد را سوژه‌های آزاد، مسئول، سخنگو، انتخابگر و مشارکت‌کننده رمزگذاری و تئوریزه می‌کند، عموم مردم که به اطلاعات مکتوب و مصور از طریق مطبوعات دست یافته‌اند (دموکراتیزه شدن)، بیان مطالبات به زبان تصویر را راهکاری تازه می‌یابند و این بر کثرت جماعتی که به کار هنر مشغولند می‌افزاید که دو دسته‌اند: کسانی که درباره‌ی هنر می‌نویسند و کسانی که به کار هنر مشغولند و عموماً گروه اول به سازوکار متعهدانه در گروه دوم دامن می‌زند. شاید بتوان گفت از مهم‌ترین گزاره‌های مستخرج در این دوره تأکید بر دو مقوله است: اینکه نقاشی از شعب مهم معارف و علمی شریف است. اصطناع آن مایه ترقی مملکت است. که این هر دو ناظر بر مسئولیت و تعهد هنر و هنرمند است.

وجه پراهمیت برآمدن تعهد، چرخش گفتمانی از مطالبه‌ی رعیت فرمانبردار شاه به مردم مشروعیت‌بخش در سازوکاری سیاسی است. این سیاست رقابت بر سر کردار متعهدانه را به دنبال دارد. پادشاه همچنان متعهد و پاسخگو است اما بخشی از تعهدات خود را مادامی که مانع کسب منافع حکومت نباشد بر دوش "شهروند" می‌گذارد. اکنون این سوژه‌ی به سخن آمده، مسئول خیر و شر خود است و هنرمند متعهد کسی است که در خدمت منافع همگانی جامعه پاسخگوی مطالبات ملت در چارچوب منافع دولت باشد که در غیر این صورت سوژه‌ای ناپه‌نجان خواهد بود.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۷). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- احمدبن محمد (۱۳۹۱). *رساله‌ی اصول حکمرانی*، پیام بهارستان، ویژه‌نامه‌ی حقوق و قانون.
- احمدی‌منش، محمد (۱۳۹۰). «نقش روسیه در جنبش تنباکو»، پژوهش در تاریخ، ش ۲، ص ۴۳ - ۶۶.
- آزموده، محسن و عبدی، عیسی (۱۴۰۱). «از رعیت تامردم: مردم در گفتمان‌های تاریخ معاصر ایران در گفت‌وگو با عیسی عبدی»، *روزنامه اعتماد*، ش ۵۲۷۴، چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۱.
- آگاه، وحید (۱۳۹۸). «نظریه‌های معطوف به هنر: مقدمه شناخت آثار هنری به مثابه رسانه»، *نشریه علوم خبری*، ش ۲۹، ص ۲۰۰ - ۲۱۵.
- بشیر، حسن (۱۳۸۶). «روشنفکر ایرانی و گفتمان توسعه سیاسی در عصر قاجار»، *فصلنامه‌ی خط اول*، سال اول، ش ۳، ص ۴۵ - ۶۴.
- حرفه هنرمند (۱۴۰۰). «از متن هنر؛ جلد اول: گزیده‌ای از نقد و نظر در ایران جدید از ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷»، *فصلنامه‌ی هنرهای تصویری*، ش ۷۸.
- حیدری، آرش (۱۳۹۵). تبارشناسی استبداد ایرانی؛ از ابتدای عصر ناصری تا برآمدن رضاشاه، *رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی*، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- دریفوس، هربرت و رایینو، پل (۱۳۹۹). *میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- رفوئی، پوریا (۱۳۸۶). در نسبت کلمه و تصویر در تاریخ هنر جدید *پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر*، دانشگاه هنر، دانشکده هنرهای کاربردی.

- سوانه، پیر (۱۳۸۸). *مبانی زیبایی‌شناسی*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: نشر ماهی.
- شجاعی‌زند، علیرضا و فرهنگی، مهرداد (۱۴۰۰). «جنبش تنباکو و پیدایی مردم در عرصه‌ی سیاست»، *نشریه‌ی جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره‌ی ۱۳، ش ۱، ص ۱۹۵ - ۲۱۷.
- صلاح، مهدی و حسن‌وند، شهرام (۱۳۸۷). «بررسی مفهوم توسعه در اندیشه تنی چند از روشنفکران عصر قاجار تا پهلوی»، *مجله علمی تخصصی تاریخ ایران و اسلام*، ش ۳، ص ۱۱۷ - ۱۴۷.
- عسکری، علیرضا (۱۴۰۲). «نقش نهادهای آموزشی در گسترش تعلیم و تربیت دوره‌ی قاجار»، *نشریه‌ی تاریخ‌نامه‌ی خوارزمی*، ش ۴۱، ص ۶۵ - ۷۶.
- فوکو، میشل (۱۳۸۱). *تاریخ جنون*، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: هرمس.
- فوکو، میشل (۱۳۹۸). *تأثر فلسفه؛ گزیده‌ای از درس‌گفتارها، کوتاه‌نوشت‌ها و گفتگوها*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۹ الف). *اراده به دانستن*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۹ ب). *دیرینه‌شناسی دانش*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱). «روس و انگلیس در ایران؛ پژوهشی درباره‌ی امپریالیسم»، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کدی، نیکی (۱۳۵۸). *تحریم تنباکو در ایران*، ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- کچویان، حسین (۱۳۸۲). فوکو و دیرینه‌شناسی دانش؛ *روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا مابعدتجدد*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کچویان، حسین و زائری، قاسم (۱۳۸۸). «ده گام اصلی روش‌شناختی در تحلیل تبارشناسانه فرهنگ با اتکاء به آرای میشل فوکو»، راهبرد فرهنگ، ش ۷، ص ۳۰-۷.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۶۱). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: آگاه.
- مجدالملک سینیکی، محمد (۱۳۹۱). *کشف‌العرائب یا رساله‌ی مجددیه*، تهران: نشر آبی.
- میرصادقی، جمال و ذوالقدر، میمنت (۱۳۹۸). *واژه‌نامه‌ی هنر داستان‌نویسی*، تهران: لوگوس.
- میلز، سارا (۱۳۹۹). *میشل فوکو*، ترجمه مرتضی نوری، تهران: مرکز.
- ناطق، هما (۱۳۸۰). *انجمن‌های شورایی در انقلاب مشروطیت*، تهران: نشر کارگری سوسیالیستی.
- : (95/1/23). <http://www.nashr.de/3/mot/homa/anjoman.pdf>
- ناطق، فرجاد و توفیق، ابراهیم (۱۳۹۲). «تبارشناسی روشنفکری در تاریخ مشروطه‌ی ایران (۱۳۵۰-۱۳۸۵)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۷، ش ۴، ص ۱۸۶-۱۶۰.
- ناطق، فرجاد و توفیق، ابراهیم (۱۳۹۶). «تبارشناسی جنبش ملی شدن صنعت نفت در ایران؛ تأملی در مناسبات دولت، جامعه و نظام سرمایه‌داری سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲»، *فصلنامه‌ی دولت‌پژوهی. مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی*، دوره‌ی ۳، ش ۱۱.
- نواب طهرانی، مهدی (۱۳۷۶). *دستورالاعقاب*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۹۰). *تاریخ جنبش‌ها و شورش‌های معاصر ایران*، شیراز: نوید شیراز.
- هریس، جان‌اتان (۱۳۹۳). *تاریخ هنر نو*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: کلاغ.

Boroujerdi, M (1996). *Iranian Intellectuals and the west: The Triumph of Nativism* Syracuse University Press.

Foucault, Michel (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the prison*, Translated by A. Sheridan, London: Allen Lane.

Foucault, Michel (1998). in *essential works of Foucault*, edited by Paul Rabinow, Vol. 3 Power, The New Press.

- Foucault, Michel (2007). In *Space, Knowledge and Power: Foucault and Geography*, edited by Jeremy W, Campton and Stuart Edlen, Routledge Press.
- Weber, M. (1981). From Max Weber, Edited by H. H. Gerth and C.
- Haris, Jonathan (2007). *The New Art History, A Critical introduction*, London: Routledge. Abrahamian, Ervand. (2018). *Iran Between Two Revolutions*. Translated by Ahmad Golmohammadi & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Ahmad ibn Mohammad. (2012). *Treatise on the Principles of Governance*. Payam-e Baharestan. Special Issue on Law and Rights. (In Persian)
- Ahmadi-Manesh, Mohammad. (2011). *The Role of Russia in the Tobacco Movement*. Pazineh dar Tarikh, Issue 2, pp. 43–66. (In Persian)
- Azmoodeh, Mohsen & Abdi, Isa. (2022). From Subjects to People: People in the Discourses of Contemporary Iranian History, in conversation with Isa Abdi. *Etemad Newspaper*, Issue 5274, Wednesday, 19 Mordad 1401. (In Persian)
- Agah, Vahid. (2019). *Art-Oriented Theories: An Introduction to Understanding Works of Art as Media*. *Journal of Information Science*, Issue 29, pp. 200–215. (In Persian)
- Bashir, Hasan. (2007). *Iranian Intellectuals and the Discourse of Political Development in the Qajar Era*. *Khat-e Aval Quarterly*, Vol. 1, Issue 3, pp. 45–64. (In Persian)
- Herfeh Honarmand. (2021). From the Text of Art; Vol. 1: A Selection of Critiques and Opinions in Modern Iran, 1285–1357. *Visual Arts Quarterly*, Issue 78. (In Persian)
- Heydari, Arash. (2016). *Genealogy of Iranian Despotism: From the Early Naserian Era to the Rise of Reza Shah*. PhD Dissertation, Cultural Sociology, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Social Sciences. (In Persian)
- Dreyfus, Herbert & Rabinow, Paul. (2020). *Michel Foucault Beyond Structuralism and Hermeneutics*. Translated by Hossein Bashirieh. Tehran: Ney. (In Persian)
- Rafou'i, Pourya. (2007). *On the Relationship Between Word and Image in Modern Art History*. MA Thesis, Research in Art, University of Art, Faculty of Applied Arts. (In Persian)
- Swan, Pierre. (2009). *Foundations of Aesthetics*. Translated by Mohammad Reza Abolghasemi. Tehran: Nashr-e Mahi. (In Persian)
- Shojaizand, Alireza & Farhangi, Mehrdad. (2021). *The Tobacco Movement and the Emergence of the People in the Political Arena*. **Historical Sociology Journal**, Vol. 13, Issue 1, pp. 195–217. (In Persian)
- Salah, Mehdi & Hasanvand, Shahram. (2008). *Examining the Concept of Development in the Thought of Some Intellectuals from the Qajar to Pahlavi Eras*. *Scientific Journal of Iranian and Islamic History*, Issue 3, pp. 117–147. (In Persian)
- Askari, Alireza. (2023). *The Role of Educational Institutions in the Expansion of Education During the Qajar Era*. *Kharazmi History Journal*, Issue 41, pp. 65–76. (In Persian)
- Foucault, Michel. (2002). *History of Madness*. Translated by Fatemeh Valiani. Tehran: Hermes. (In Persian)
- Foucault, Michel. (2019). *Theater of Philosophy: Selected Lectures, Short Writings, and Conversations*. Translated by Niko Sarkhosh & Afshin Jahandideh. Tehran: Ney. (In Persian)
- Foucault, Michel. (2020a). *The Will to Knowledge*. Translated by Niko Sarkhosh & Afshin Jahandideh. Tehran: Ney. (In Persian)
- Foucault, Michel. (2020b). *The Archaeology of Knowledge*. Translated by Niko Sarkhosh & Afshin Jahandideh. Tehran: Ney. (In Persian)
- Kazemzadeh, Firouz. (1992). *Russia and England in Iran: A Study of Imperialism*. Edited by Manouchehr Amiri. Tehran: Elmi va Farhangi. (In Persian)
- Kadi, Niki. (1979). *The Tobacco Protest in Iran*. Second Edition. Tehran: Pocket Books Company. (In Persian)
- Kachouyan, Hossein. (2003). *Foucault and the Archaeology of Knowledge: The Narrative of the History of Human Sciences from Renaissance to Postmodernity*. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Kachouyan, Hossein & Zaeri, Ghasem. (2009). *Ten Main Methodological Steps in Genealogical Analysis of Culture Based on Michel Foucault's Thoughts*. *Rahbord-e Farhang*, Issue 7, pp. 7–30. (In Persian)

- Kermani, Nazem al-Islam. (1982). *The History of Iranian Awakening*. Edited by Ali-Akbar Saeedi Sirjani. Tehran: Agah. (In Persian)
- Majd al-Molk Sinki, Mohammad. (2012). *Kashf al-Gharaib or Majdieh Treatise*. Tehran: Abi Publications. (In Persian)
- Mirsadeghi, Jamal & Zolqadr, Meyment. (2019). *Dictionary of the Art of Fiction Writing*. Tehran: Logos. (In Persian)
- Miles, Sarah. (2020). *Michel Foucault*. Translated by Morteza Nouri. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Nategh, Homa. (2001). *Council Associations in the Constitutional Revolution*. Tehran: Socialist Workers' Publications. (In Persian)
<http://www.nashr.de/3/mot/homa/anjoman.pdf> (Accessed 23 April 2016).
- Nateghi, Farjad & Tofigh, Ebrahim. (2013). *Genealogy of Intellectualism in the Constitutional History of Iran (1285–1350)*. *Iranian Social Studies Journal*, Vol. 7, Issue 4, pp. 160–186. (In Persian)
- Nateghi, Farjad & Tofigh, Ebrahim. (2017). *Genealogy of the Nationalization of Oil Industry Movement in Iran: Reflections on the Relations Between State, Society, and Capitalism, 1320–1332*. *Government Studies Quarterly, Faculty of Law and Political Science*, Vol. 3, Issue 11. (In Persian)
- Navab Tehrani, Mehdi. (1997). *Dastur al-Aqab*. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran. (In Persian)
- Nozari, Ezzatollah. (2011). *History of Contemporary Movements and Uprisings in Iran*. Shiraz: Navid Shiraz. (In Persian)
- Harris, Jonathan. (2014). *History of Modern Art*. Translated by Manijeh Najm Araghi. Tehran: Kalagh. (In Persian)